

کاوشی نو در معارف قرآنی
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، پیاپی ۲
صص ۹۵-۱۱۰

معناشناسی تطبیقی واژه علقه در قرآن و طب

سید ابوالفضل سجادی*، مهدی آشناور**

چکیده

قرآن کریم که «تبیاناً لکلّ شیء» است به همه علوم و فنون به شکل موجز و مختصر اشاره نموده است. یکی از مباحثی مهمی که در این کتاب آسمانی وجود دارد، مباحث مربوط به علم جنین شناسی است که قرآن کریم با ظرافت خاصی از ۱۴۰۰ سال پیش از آن سخن به میان آورده است.

رسیدن به معنای اصلی واژگان و دلالات آنها نیاز به مباحث معناشناسی دارد که با مراجعه به کتاب‌های لغوی اصیل از یکسو و از طرف دیگر قرآن کریم و بررسی سیر تطورات آن میسر می‌شود.

در این مقاله سعی خواهیم کرد مباحث تفسیری و دلالتی را که مفسران، لغت‌شناسان و محققان معناشناسی و نیز کسانی که دستی در علوم و تحولات زیستی بدن انسان و چگونگی خلقت او دارند را مورد بحث قرار داده تا از این رهگذر در معناشناسی واژه «عَلَقَه» نتایج سودمندی عاید تشنگان وحی گردد.

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، معناشناسی، علقه، طب

مقدمه

در مباحث معناشناسی، مصداق، جایگاه مهمی در تبیین و تمرکز معنا و قدرت فراگیری یا محدود کردن معنا دارد. در حالی که در کاوش‌های تفسیر پژوهشی، مصداق از حوزه تفسیر بیرون است اما نمی‌توان تأثیر دلالت‌های بیرون زبانی را در فهم معنا نادیده گرفت. همان طور که در القای معنا و در فهم نظریه تأثیرگذار است، تداعی مصداق و ذکر مصداق در فهم معنا هم تأثیرگذار است؛ لذا با توجه به این که قرآن کریم به عنوان آخرین نسخه هدایت بشر و معجزه آخرین رسول و فرستاده خداست و با عنایت به اینکه این معجزه الهی به عنوان راهنما و راه‌گشای سعادت بشری نازل شده توجه به مضامین این کتاب الهی می‌تواند راه‌گشای بسیاری از نیازهای علمی، اخلاقی، اجتماعی سیاسی و ... باشد.

یکی از مباحث مطرح علم پزشکی موضوع جنین شناسی و به عبارتی بحث از مراحل خلقت انسان و موجودات دیگر است؛ از آنجا که قرآن کریم به طور پراکنده و به مناسبتی به مباحث خلقت انسان اولیه و نیز خلقت نسل انسان اشاره نموده و نیز از آنجا که علقه به عنوان یکی از مراحل خلقت انسان در دوران جنینی در قرآن کریم مطرح شده لذا توجه به معنای این کلمه و تعیین مصداق آن در طب، راه‌گشایی است برای فهم بهتر قرآن و طب.

برای نمونه با کنار هم قرار دادن آیات قرآن کریم در خصوص مدت شیر دهی و حداقل زمان حمل (حاملگی) می‌توان به این نتیجه رسید که مدت بارداری می‌تواند شش ماه باشد، خداوند می‌فرماید: «وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (لقمان: ۱۴) که مدت رضاع می‌باشد تا طفل از شیر باز داشته شود چنانچه

می‌فرماید: «وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرَّضَاعَةَ» (بقره: ۲۳۳) و می‌فرماید: «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵). حداکثر مدت رضاع دو سال و حداقل آن بیست و یک ماه است؛ و حداقل مدت حمل شش ماه، حداکثر یک سال و حد متعارف نه ماه (طیب، ۱۹۹۹م، ج ۱۰، ص ۴۲۳).

سوال و فرضیه

هر پژوهشی برای پاسخ دادن به سوال یا سوالاتی انجام می‌شود و هدف از این کار رسیدن به حقیقت و در نهایت تایید یا رد فرضیه‌ای است که در ذهن شکل می‌گیرد. از این رو آنچه نویسنده را بر آن داشت تا به پژوهش در این حوزه بپردازد، این است که اولاً معنای اصلی و حقیقی واژه علقه چیست؟ در زمان نزول قرآن کریم به چه چیزی اطلاق می‌شده؟ و این که علقه بودن جنین کدام یک از مراحل رویانی نطفه را بیان می‌کند؟.

آنچه که نویسنده برای پاسخ به این سوالات فرض دانسته این است که علقه در اصل به معنای چسبیدن می‌باشد و از مراحل اولیه رشد جنین است که طرح کردن آن در زمان عرب جاهلی و بی سواد آن زمان و آن سرزمین، نشان از اعجاز و ما فوق بشری بودن قرآن کریم دارد.

ضرورت و اهمیت بحث

قرآن کریم کتاب هدایت است و در صدد بیان و تعلیم هیچ علمی نیست، اما مسائل علمی طرح شده در قرآن کریم که به مناسبت موضوعی بیان شده است هیچ گونه تناقض، تعارض و تضادی در آن یافت

با مراحل تشکیل جنین در علم روان شناسی و جنین شناسی سعی در روشن شدن معنای این واژه داریم که در تفسیر قرآن کریم می‌تواند بسیار مهم باشد. به خصوص با توجه به این که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال پیش و آن هم توسط پیامبری امی (بی‌سواد) به عنوان معجزه پیامبری، می‌تواند صداقت و راستی ادعای حضرت را اثبات نماید. ضمن این که نظریه‌ای علمی تایید و یا رد می‌شود.

پیشینه علم معناشناسی

علم معناشناسی تطبیقی، دانشی نوظهور است؛ لذا بسیاری از مباحث اصلی آن در میان مسلمانان، تاریخی طولانی دارد. از آنجا که وحی اسلامی مبتنی بر کتاب است و در نتیجه مسأله رابطه میان لفظ و معنا و سهم مشیت الهی و اراده انسانی در تعیین رابطه میان لفظ و معنا در ارتباط با آن نیز مطرح است، معناشناسی در میان اندیشمندان مسلمان به طور بس جدی دنبال شده و به مراحل از کمال رسیده است.

تبیین و تفسیر زبان قرآن و دریافت معانی و مفاهیم آن و همچنین استفاده از علوم موجود در آن، نیازمند معناشناسی است. لغت‌شناسان و مفسران و اهل ادب همیشه تلاش کرده‌اند تا ریشه‌های واژگان، معانی حقیقی و مجازی الفاظ و... را ثبت کنند. از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب «العین» از خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ ق)، «تهذیب اللغة» از ازهری (م ۳۷۰ ق)، «معجم مقاییس اللغة» از ابن فارس (م ۳۹۵ ق)، «لسان العرب» از ابن منظور (م ۷۱۱ ق) و... اشاره کرد. کتاب‌هایی نیز مانند «معانی القرآن» از فراء (م ۲۰۷ ق) و «مفردات» از راغب اصفهانی (م ۵۰۲ ق) به بیان معانی مفردات قرآن اختصاص یافته‌اند.

نمی‌شود، و خود قرآن کریم نیز که در طول ۲۳ سال به تدریج بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است آن را صراحتاً نفی می‌کند «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء: ۸۲) و مخالفان را به تحدی دعوت می‌کند به طوری که پیشنهاد می‌کند تنها یک سوره مانند قرآن بیاورند: «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَ اذْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وُقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۳ ۲۴)

«و اگر درباره آن چه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید، و گواهان خود را - غیر خدا - فراخوانید اگر راست می‌گویید. پس اگر چنین نکردید - که نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنه‌کار) و سنگ‌ها (بت‌ها) است، و برای کافران آماده شده است.»

بنابراین با بررسی تطبیقی واژگان علمی موجود در قرآن کریم با علوم روز، می‌توان ضمن دستیابی به معنای صحیح واژگان، حقیقت علوم و نیز استفاده از آن در تفاسیر (اعم از علمی و ...) به اعجاز این کتاب الهی نیز پی برد.

هدف تحقیق

از آنجا که معناشناسی یک جریان علمی است و هدف آن از بین بردن بسته‌ای زبانی یا مطالعات زبانی است که در زمینه معنا مطرح هستند و نگاه گسترده‌تر و تیزبینانه به معنای واژه است. به عبارت دیگر از طریق معناشناسی می‌توان به معنای دقیق واژگان و عبارات رسید، لذا در این پژوهش نیز با تکیه بر معنای لغوی و اصطلاحی واژه علقه و نیز تطبیق آن

متضاد در میان دانشمندان وجود داشته است: گروهی از دانشمندان معتقد به استقلال انواع جانداران و عدم تکون نوعی از نظر نوع دیگر و گروهی دیگر طرفدار تبدل انواع بودند. اعتقاد به تبدل انواع به بعضی از فلاسفه یونان باستان نسبت داده می‌شود، در قرون جدید طرفدارانی پیدا کرده است که مهمترین آنان «چارلز داروین» طبیعی‌دان انگلیسی قرن نوزدهم می‌باشد.

قرآن کریم نه پدر و مادری برای آدم قائل می‌باشد و نه آدم را تکامل یافته از موجودات دیگر می‌داند و در آیه «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷) ابتدای خلقت انسان را از طین می‌داند نه از راه دیگر. پس قرآن انسان را نوعی مستقل فرض کرده است و فرضیه تکامل انواع که در نتیجه آن انسان از نوع دیگر به وجود آمده باشد مورد قبول قرآن نمی‌باشد. آنچه را که قرآن از آن حکایت می‌کند مراحل را خاک پشت سر گذاشته تا انسان به وجود آمده است حالا این که این مراحل چگونه گذشته است تصریحی در این زمینه ندارد. مثلاً آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲)، انسان موجودی مستقل است و نه تکامل یافته موجودات دیگر.

در آیات قرآن کریم این مطلب به خوبی قابل درک است. قرآن کریم پنج مرحله به شرح ذیل برای خلقت انسان مطرح می‌کند:

مرحله اول: خلقت را از تراب (خاک) شروع می‌کند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ» (روم: ۲۰)، نیز آیه: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹)، همچنین آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنْ

کهن‌ترین تلاش در «غریب القرآن» از ابن عباس است که در پاسخ به پرسش‌های نافع بن ازرق (م ۶۵ ق) در باره معنای واژه‌های دیریاب قرآن است که بعدها به ترتیب سوره‌های قرآن تنظیم شده است. نگاهش‌هایی هم در واکاوی دلالت‌ها یا واژگان قرآن به کمک مضامین درون متنی، با عنوان وجوه و نظایر، فراهم آمده است. کهن‌ترین اثری که در این زمینه به دست ما رسیده، نوشته‌ای از مقاتل بن سلیمان بلخی (م ۱۵۰ ق) با نام «الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم» است که در آن، الفاظ مشترک و واجد معانی متعدد، همچون نور، هدایت، مودت و... استخراج شده است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، نوع ۳۹).

همچنین می‌توان به «حقایق التأویل فی متشابه التنزیل» از شریف رضی (م ۴۰۶ ق) اشاره کرد که به تفسیر آیات متشابه در پرتو محکمت پرداخته است. دو کتاب عکرمه (۱۰۵ ق) و علی بن ابی طلحه (۱۴۳ ق)، که پیش‌تر نگاهش‌شده بوده‌اند، به دست ما نرسیده‌اند (کرمانی، ۱۳۵۶ق، ص ۱۲۲).

تحقیق و پژوهش در حوزه علوم انسانی، به خصوص علوم اسلامی مشکلات خاص خود را دارد و اغلب به صورت کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و از آنجایی که پژوهش حاضر، پژوهشی تطبیقی بود و نیازمند مشاهده و آزمایش مراحل روایی جنین در مرحله علقه بود و به دلیل محدودیت‌ها و مشکلات موجود، به مطالب و توصیف‌های موجود از این مرحله جنینی در کتب مربوطه اکتفا شد.

۱. مراحل خلقت انسان در قرآن

خلقت انسان از بحث‌های بسیار رایج در بین اهل نظر و مطالعه می‌باشد. درباره چگونگی آفرینش انسان و همچنین سایر موجودات زنده از دیر باز دو عقیده

تفاوت بین واژه‌هایی که از نظر معنایی نزدیک به واژه «خلق» هستند مانند: «برأ، بدع، فطر، خلق، أحدث، أوجد، أنشأ و ذرأ» اشاره کرد. همه این واژه‌ها به معنای «پدید آوردن» هستند.

در قرآن کریم واژه‌های «خلق»، «نشأ» و «فطر» هم معنا هستند؛ با این تفاوت که «خلق» پدید آوردن از نوع ترکیبی، «نشأ» خواستن و ایجاد کردن و «فطر» «بدع» پدید آوردن از چیزی که هرگز وجود نداشته هستند. در آیه ذیل آمده است: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً» (واقع: ۳۵)؛ ما آن‌ها را در کمال حسن و زیبایی بیافریده‌ایم، و در آیه دیگر همین سوره می‌خوانیم: «نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ» (واقع: ۵۷)؛ ما شما را آفریدیم پس چرا آفریننده را تصدیق نمی‌کنید.

ابداع به معنای چیزی نو آوردن یا کاری تازه کردن آمده است. معنی دقیق تر آن، عبارت است از پدید آوردن چیزی که سابقاً نبوده است. خداوند می‌فرماید: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۵۴).

به هر حال «امر» نیز به معنای همان ایجاد است چه به ذات چیزی تعلق بگیرد و چه به صفات و افعال و آثار آن؛ فرقی که خلق با امر دارد این است که خلق ایجاد چیزی است که در خلقت آن تقدیر و تألیف به کار رفته باشد، حال چه به نحو ضم چیزی به چیز دیگر باشد، مانند ضم اجزاء نطفه به یکدیگر و یا ضم نطفه ماده به نطفه نر و سپس ضم مواد غذایی به آن و هزاران شرایط که در پیدایش و خلقت یک انسان و یا حیوان است، و چه به نحو دیگری که از قبیل ضم جزئی به جزء دیگری نباشد، مانند تقدیر ذات موجود بسیط و تعیین حد وجودی و آثار آن و روابطی که با سایر موجودات دارد.

الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ» (حج: ۵) و آیه: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ» (غافر: ۶۷).

مرحله دوم: همان طین که مخلوط آب و خاک یعنی گل می‌باشد، مانند آیه: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: ۷) و آیه: «فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ» (صافات: ۱۱).

مرحله سوم: سلاله از طین که همان گل خالص است، مانند آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲).

مرحله چهارم: «صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» که عبارت از گل و لای تغییر یافته می‌باشد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» (حجر: ۲۶-۲۸) و «قَالَ لَمْ أَكُن لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» (حجر: ۳۳).

مرحله پنجم: «صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» که گل خشک شده مانند کوزه می‌باشد: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ» (الرحمن: ۱۳-۱۴).

علامه طبرسی نیز در تفسیر خود به این مراحل اشاره کرده و می‌نویسد: «أصل آدم (ع) كان من تراب و ذلك قوله: «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» ثم جعل التراب طيناً و ذلك قوله: «وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» ثم ترك ذلك الطين حتى تغير و استرخى و ذلك قوله: «مِنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» ثم ترك حتى جفَّ و ذلك قوله: «مِنْ صَلْصَالٍ» فهذه الأقوال لا تناقض فيها إذ هي إخبار عن حالاته المختلفة» (طبرسی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۵۱۶).

تا بدین جا به مراحل خلقت اولیه انسان اشاره شد اما آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم مرحله ای از خلقت نسل انسان در دوران جنینی است. جا دارد به

انسان اولیه است. قرآن کریم در برخی از آیات خود به مراحل آفرینش و خلقت نسل انسان نیز اشارات اعجاب انگیزی دارد که در این مقاله به مرحله دوم از خلقت نسل انسان، که قرآن کریم از آن به عنوان علقه یاد می‌کند خواهیم پرداخت.

آیه مناسبی که روند آفرینش انسان را به صورت خلاصه بیان می‌کند آیه ذیل است: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه: ۵۵)؛ شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر می‌گردانیم و بار دیگر از خاک خارج می‌کنیم.

مراحل آفرینش انسان و مواد به کار رفته در آفرینش او در سوره‌های متعدد قرآن از جمله انعام، حج، مؤمنون، مؤمن، روم، سجده، رحمان، مرسلات و طارق آمده است. در هر یک از این سوره‌ها به بخشی از این مراحل پرداخته شده و واژگان به کار رفته برای هر مرحله هم بعضاً متفاوت است.

مثلاً مراحل خاک (تراب)، اسپرم (نطفه)، لخته خون چسبنده (علقه) و تکه گوشت (مضغه) در سوره حج آیه ۵ آمده است. حال آن که در سوره مؤمنون آیه ۱۲، گل (طین) به جای خاک (تراب) به کار رفته است.

در سوره رحمان آیه ۱۴ فقط به گل خشک (صلصال) اشاره شده و مراحل دیگر شامل تراب، طین، نطفه، علقه و مضغه ذکر نشده اند و نیز در سوره انعام آیه ۲ به طین و سوره روم آیه ۲۰ به تراب و انسان کامل اشاره شده و بقیه مراحل ذکر نشده اند.

تنها آفرینش آدم بلکه همه انسان‌ها به همین صورت است و همان طور که خاک از مواد آلی و غیر آلی تشکیل یافته است بدن انسان نیز از مواد آلی و معدنی ساخته شده است.

این معنا از آیات کریمه قرآن نیز به خوبی استفاده می‌شود، مانند آیه: «وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (لقمان: ۲) و آیه: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) و آیه: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر: ۶۲) که خلقت خود را به همه چیز تعمیم داده. به خلاف امر که در معنای آن تقدیر جهات وجود و تنظیم آن نیست، به همین جهت است که امر تدریج بردار نیست، و لیکن خلقت قابل تدریج است (طباطبایی، ۱۹۹۶م، ج ۸، ص ۱۹۰).

۲. مواد اولیه خلقت انسان در قرآن

مراحل اولیه زیست شناختی زندگی انسان از نظر قرآن شامل لقاح، رشد و نمو جنینی، تولد، شیردهی و از شیر گرفتن نوزاد است. همچنین آیات فراوانی مراحل مختلف زندگی انسان را تا مرگ و حیات پس از مرگ توصیف می‌کند. در قرآن، آیاتی که به زندگی زیست شناختی انسان اشاره می‌کنند با ترتیب خاصی نیامده‌اند و در سوره‌های متفاوتی ذکر شده‌اند لذا برای دسترسی به یک نظر صحیح باید آیات مشابه و مرتبط با موضوع را برای بررسی در کنار یکدیگر گذاشت تا به نتیجه رسید.

پیش‌تر اشاره شد که در قرآن، آفرینش انسان از خاک (تراب)، گل (طین)، گل خشک (صلصال) و... آمده است؛^۱ اما این مراحل مربوط به آفرینش

۱- مفسران بر این اعتقادند که واژه های تراب، طین و صلصال مکمل یکدیگرند و تناقضی با هم ندارند به این معنی که هر یک، مرحله‌ای از مراحل آفرینش انسان را توصیف می‌کنند. طبق نظر تفاسیر خداوند انسان را از گل آفرید که مخلوطی از آب و خاک بود، سپس این گل متعفن سیاه، شکل یافت و خدا از روح خود در آن دمید و مطابق دستور او که فرمود: کن: «ایجاد شو» به شکل آدم تجسم یافت. قرآن بیان می‌کند که نه

مِنْ تُرَابٍ مِنْ نُطْفَةٍ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...» (مؤمن: ۶۷) هفت مرحله دانسته‌اند: ۱-نطفه ۲-علقه ۳-مضغه (مخلقه و غیر مخلقه) ۴-عظام ۵-لحم ۶-تسویه، تصویر و تعدیل و ۷-نفخ روح. (البار، بی تا، ص ۲۰۳).

۳-۱. نطفه

نطفه که مربوط به همه انسان‌ها جز آدم و همسرش است. نطفه در لغت به معنی «آب اندک» می‌باشد و استعمال آن در «منی» از همین روست. این واژه همچنین در سلول نرینه «اسپرم» و «مادینه» (تخمک) و یا ترکیب آن دو (تخم) نیز استعمال می‌شود. چنانکه از آیه شریفه: «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِيٍّ» (قیامت: ۳۸) برداشت می‌شود.

امشاج نیز جمع مشیج و مشج به معنای آمیخته و مختلط می‌باشد. در رابطه با اینکه مقصود آیه از ترکیب نطفه چه مؤلفه‌هایی است، احتمالات گوناگونی وجود دارد که اهم آن‌ها عبارتند از:

۳-۱-۱. آمیختگی و لقاح نطفه زن و مرد

این نگرش، رایج‌ترین دیدگاه در میان مفسران پس از نزول وحی تا زمان حاضر بوده است و کسانی مانند طبری، ابن کثیر، مراغی، طبرسی و... آن را پذیرفته‌اند. برخی چون مجاهد در تایید این معنا آیه شریفه: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (حجرات: ۱۳) را گواه گرفته‌اند. در «مسند» احمد بن حنبل نیز آمده است که پیامبر (ص) درباره چگونگی آفرینش انسان فرمودند: «الولد من نطفة الرجل و من نطفة المرأة» (حلی، ۱۹۹۷م، ج ۷، ص ۲۷۴).

خداوند در سوره زمر آیه ۶ اشاره می‌کند که مراحل نمو رحمی نوزاد در میان سه پرده تاریک انجام می‌گیرد: «خَلَقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» (زمر: ۶)؛ شما را در باطن رحم مادران در سه تاریکی (لایه) با تحولات گوناگون می‌آفریند.

این آیه اشاره به هفته سوم تکامل جنین یا مرحله سه تایی دارد که از هفته سوم به مرحله سه تایی یا گاسترولاسیون معروف است زیرا در این مرحله توده سلولی (صفحه رویانی) از سه لایه درست شده است: اکتودرم، مزودرم، آندودرم که می‌فرماید: «كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبَّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد: ۲).

هفته چهارم قسمت مرکزی صفحه رویانی با سرعت بیشتری نسبت به قسمت محیطی آن تکامل پیدا می‌کند که به علت شروع تکامل یافتن دستگاه عصبی است (امامی، ۱۹۸۶م، ص ۱۰۷).

این تعبیر یکی از شگفت‌انگیزترین تعبیرات قرآن است. طبق یافته‌های اخیر پزشکی دیواره زهدان شامل سه لایه می‌باشد:

- ۱- «اندومتر»^۱ یا پوشش مخاطی داخلی دیواره
- ۲- «میومتر»^۲ یک لایه ضخیم ماهیچه صاف
- ۳- «پری متر»^۳ پوششی که قسمت خارجی دیواره را پوشانده است (سادلر، ۲۰۰۴م، ص ۴۸).

۳. ادوار خلقت انسان از دیدگاه قرآن

پژوهشگران مراحل پیدایش و تکامل جنین از دیدگاه قرآن را بر مبنای آیات ذیل: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ

۱- Endometrium
۲- Myometrium
۳- Perimetrium

۳-۱-۲. ترکیب نطفه از عناصر گوناگون

موریس بوکای در این زمینه می‌گوید: مایع منی از ترشحات مختلفی که از غدد زیر ناشی می‌شود تشکیل شده است:

الف) بیضه‌ها: ترشح غده تناسلی مرد حاوی اسپرماتوزوئیدهاست، سلولهای دراز و اجد تاژک دراز و غوطه‌ور در مایعی سرم گونه‌اند.

ب) کیسه‌های تخمی: این اعضا که مخازن اسپرماتوزوئیدند، نزدیک پروستات قرار گرفته و ترشح خاصی بدون عناصر بارور کننده دارند.

ج) پروستات: مایعی ترشح می‌کند که به منی، ظاهر خامه‌ای و بوی ویژه‌اش را می‌دهد.

د) غدد ملحق به مجاری ادرار: که عبارتند از غدد کوپر یا غدد مری مترشح، مایعی سیال و غدد لیتره که ماده‌ای مخاطی ترشح می‌کنند.

علامه طباطبایی (ره) بعد از بیان معنای لغوی نطفه می‌فرماید: «وصف امشاج (مخلوط) برای نطفه یا به اعتبار اجزاء نطفه است که مختلف است و یا به اعتبار اختلاط آب مرد و زن است. و ابتلاء (که در آیه آمده «نبتلیه») به معنی تبدیل حالات چیزی از حالی به حالی و از صورتی به صورتی است، مثل تغییر حالت طلا در کوره و مقصود از ابتلاء خداوند به خلقت انسان از نطفه، همان است که در آیات دیگر بیان شده که نطفه را علقه و علقه را مضغه و ... می‌کند» (طباطبایی، ۱۹۹۶م، ج ۲۰، ص ۲۰۹).

صاحب مجمع البیان، علاوه بر ذکر احتمالات فوق درباره امشاج، احتمالاتی مانند: آمیخته شدن رنگ‌های نطفه زن و مرد، مخلوطی از رگها، مخلوطی از طبایع، مخلوط با خون حیض و... را ذکر کرده است (طبرسی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۴۰۶).

دکتر پاک‌نژاد، امشاج را مخلوطی از نطفه زن و مرد می‌داند و می‌گوید: نطفه زن و مرد برای مخلوط شدن و انسان درست کردن به بلایا و دگرگونی‌ها دچار می‌شوند، همان نصف شدن کروموزم‌ها و سلول‌ها (پاک نژاد، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۲۴۴).

در نتیجه می‌توان گفت: اکثر صاحب نظران کنونی معتقدند که امشاج به معنای مخلوط شدن نطفه مرد و زن است و طبیعتاً به واسطه این آمیختگی، صفات پدر و مادر که به واسطه ۴۶ عامل وراثت و هر عامل بین ده هزار تا صد هزار علامت و اطلاعات مخصوص، عناصر انسان که متراکم است، آمیختگی رنگ‌های نطفه و... چنانچه در تفسیر نمونه بیان شده که تمامی این احتمالات جامع و مناسب است به سبب اینکه همه آن‌ها در نطفه اجتماع شده است (رضایی اصفهانی، بی تا، ص ۴۸۱).

۳-۲. علقه

دومین مرحله از مراحل خلقت انسان مرحله علقه است؛ با توجه به این که موضوع بحث این مقاله این مرحله از رشد جنین است پس از توضیح مراحل بعدی به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت.

۳-۳. مضغه

مضغه (چیزی شبیه به گوشت جویده شده) و مرحله ظهور اعضاء، مرحله حس و حرکت است. در اینجا مرحله چهارم را مرحله تولد جنین ذکر می‌کنند. مضغه مشتق از مضغ (جویدن) و به معنای «پاره گوشت»، «مقداری از گوشت به قدر یک بار جویدن» و «لقمه جویده از گوشت و غیر آن» است.

در ترجمه‌های فارسی قرآن «مضغه» چنین ترجمه شده است: «چیزی شبیه گوشت جویده شده» (مکارم

اسکلتی شکل می‌گیرند و سپس ماهیچه بر روی آن ایجاد می‌شود (سادلر، ۲۰۰۴م، ص ۵۵۰).

جالب اینکه قرآن در اینجا دو موضوع را از یکدیگر جدا کرده است: ۱- تبدیل گوشت پاره به «عِظَام» و ۲- پوشاندن «عِظَام» به وسیله ماهیچه که این دقیقاً مطابق با یافته‌های اخیر است و پیش از این کسی از آن اطلاع نداشت (سادلر، ۲۰۰۴م، صص ۱۷۷ و ۲۰۵)

در پنج هفتگی یک شیار گوشتی روی کمر درست می‌شود و در شش هفتگی ستون فقرات کاملاً از گوشت پوشانده می‌شود. ستون فقرات تا پیش از پوشیده شدن از گوشت همچنان میکروسکوپی هستند.

نکته جالب توجهی که قرآن کریم بدان اشاره نموده است، اینکه مخلقه بودن و غیر مخلقه بودن جنین (مخلقه یعنی صورت‌بندی تا مه و غیر مخلقه ناقصه به عبارتی جنین سالم و معلول) پس از واژه مضغه آمده لذا می‌توان نتیجه گرفت که تکامل و یا عدم تکامل جنین و یا به عبارتی معلول بودن جنین در مرحله مضغه بودن ایجاد می‌شود؛ که البته این موضوع نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۴-۳. عظام

قرآن کریم در تصویرسازی مراحل خلقت بشر در رحم مادر، به مرحله خلقت «استخوان» در جنین اشاره کرده و می‌فرماید: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»؛ سپس نطفه را بصورت علقه [خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم و بر استخوانها گوشت پوشانیدیم.

شیرازی)، «مضغه» (فولادوند)، «گوشت جویده شده» (معزی)، «پاره گوشت» (الهی قمشه‌ای)، «به صورت یک قطعه گوشت جویده» (بهبودی) و «پاره گوشتی» (آیتی).

در تفاسیر نیز آمده است: «ثم من مضغه» و آن پاره گوشت کوچکی است بقدری که جویده شود و تحول یافته علقه می‌باشد»، «فخلقنا العلقه مضغه» یعنی آن را به پاره گوشتی تبدیل کردیم. برخی نیز مضغه را به خون غلیظ تفسیر نموده‌اند: «و از علقه به مضغه، و آن پاره‌ای از خون غلیظ است که نام و شکل ویژه‌ای ندارد»، «و از علقه به مضغه، آنگاه که آن نطفه آویزنده بزرگ شود و به لخته‌ای از خون غلیظ مختلط تبدیل گردد». به نظر می‌رسد تفسیر مضغه به خون غلیظ نه از نظر لغوی درست است و نه از دیدگاه علمی. لیکن آنچه در ترجمه بهبودی و مکارم آمده است با رهاورد‌های علمی و یافتی مشاهدات ابتدایی بدون استفاده از ابزارهای علمی مطابقت دارد.

این که چرا در قرآن کریم برای این مرحله این کلمه (مضغه) انتخاب شده به دلیل آن است که مضغه تکه گوشتی است که دندان آن را جویده است، و علم ثابت نموده که جنین در این مرحله تکه گوشت عادی نیست بلکه همانند گوشت جویده شده در دهان است بنابراین انتخاب کلمه مضغه یک انتخاب علمی دقیق است.

این مرحله دقیقاً مطابق یافته‌های اخیر است چرا که در اواخر روز سی و هفتم و اوایل روز سی و هشتم، ماهیچه‌بندی در اندام‌های بالایی شروع می‌شود و این مرحله نیز به شکل اعجاب آوری بعد از مرحله «مُضْغَةً» می‌باشد. در این مرحله قالب‌های استخوانی و

یکدیگر تشخیص داد، اما بعد از مرحله تسویه است که جنین انسانی شکل کامل خود را می‌یابد و از بقیه جنین‌ها به طور کامل، قابل تشخیص می‌گردد و این خود اعجاز علمی کلام خداوند را می‌رساند که می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ سپس آن را آفرینشی دیگر بخشیدیم.

۷-۳. دمیده شدن روح

مرحله آخر از خلقت جنین دمیده شدن روح است. خداوند در آیه ۹ سوره سجده می‌فرماید: «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹). طبق احادیث و آیات، روح پس از ۴ ماهگی در جنین دمیده می‌شود و دمیدن روح در جنین پس از مشخص شدن خلقت وی انجام می‌شود، در حالی که قبل از این کودک در مرحله نباتی به سر می‌برد چرا که همچون نباتات هیچ حرکتی از خود بروز نمی‌دهد.

آخرین مرحله که در واقع مهمترین مرحله آفرینش بشر است با یک تعبیر سر بسته و پر معنی اشاره کرده، می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»؛ سپس ما آن را آفرینش تازه‌ای دادیم. برخی مفسران و فقیهان بر این باورند که «ثم أنشأنا خلقاً آخر» مرحله دمیدن روح در جنین است (مکارم شیرازی، ۱۹۹۲م، ج ۳، ص ۲۴۴).

این همان مرحله‌ای است که جنین وارد حیات انسانی می‌شود، که در روایات اسلامی از آن تعبیر به مرحله «نفخ روح» (دمیدن روح در کالبد) شده، و این جاست که انسان را از همه جهات ممتاز می‌سازد و به او شایستگی خلافت خدا در زمین را می‌دهد.

از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: نطفه چهل روز در رحم باقی می‌ماند، سپس به علقه تبدیل می‌شود، و چهل روز به این شکل می‌ماند تا به مضغه

آیه را با «ثم» آورده، تا اشاره به فاصله زمانی بین استقرار نطفه در رحم و خون بسته شدن آن نطفه داشته باشد؛ اما بقیه جملات را با حرف «فا» آورده، چون بین خلقت مراحل بعدی چندان فاصله و مهلتی نیست. و در آفرینش «عظام» می‌فرماید: گوشت‌های پاره پاره را به صورت استخوان درآوردیم؛ زیرا مادامی که استخوان‌بندی در بدن جنین، متمیز و جایگزین نشود، تصویر و خصوصیات گوشت‌ها نیز که محل آن‌ها استخوان‌هاست، تحقق نمی‌یابد (گنابادی، ۱۹۸۷م، ج ۳، ص ۹۱).

۵-۳. گوشت

«فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» این مرحله، از هفته هشتم شروع می‌شود و تا پوشانیده شدن استخوانها، ستون فقرات، اعصاب با گوشت و پوست به طول می‌انجامد.

۶-۳. جنین

«ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ آنگاه آنرا به صورت آفرینشی دیگر پدید آوردیم، آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

«ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹)؛ پس او را استواری و اعتدال بخشید و از روح خویش در او دمید.

مرحله تسویه، مرحله پیدایش شکل انسانی در جنین و اعتدال یافتن کامل اعضای جنین می‌باشد. طول این مرحله از ابتدای ماه سوم تا لحظه ولادت می‌باشد. جالب این جاست که تا قبل از مرحله تسویه، بین تصویر جنین انسان و جنین‌های سایر حیوانات فرق چندانی نمی‌توان قائل شد و نمی‌توان آنان را از

شده و یا آویزان شده معنی شده است (آذرنوش، ۲۰۰۷م، ص ۴۵۳).

البته در این کتب و سایر کتب لغت معانی دیگری را نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند. از جمله شیء گرانبها و همچنین چیزهای قرمز.

به هر حال علقه به چند معنا آمده است: «در آویختن»، «دل بستن»، «چیز چسبان»، «خون» و جمع علقه به معنای «زالوی خون مکنده آبزی» و «آویزگاه» آمده است. «زالوی سرخرنگ آبزی»، «پاره لخته خون» در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن معمولاً علق و علقه یکسان معنی شده است. در برخی از ترجمه‌های فارسی قرآن، معادلهای ذیل را برابر «علق» نهاده‌اند: «خون بسته» (مکارم شیرازی)، «آویزک که همان اسپرماتوزوئید است» (فولادوند)، «خون بسته شده» (معزی)، «لخته خونی» (آیتی) و «یک نطفه زالوش» (بهبودی).

مفسران قرآن از دیر زمان غالباً علقه را به «خون بسته» معنا کرده‌اند. در برخی از تفاسیر جدید قرآن مانند تفسیر طنطاوی، المیزان، نمونه و... این معنا یافت می‌شود. برخی از مفسران نیز معنای روشنی از آن ارائه نداده و به این بسنده کرده‌اند که حالت بعدی نطفه است.

واژه «علق» جمع «عَلَقَه» در اصل به معنای «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود» آمده است و موارد استعمال آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می‌چسبد و خون را می‌مکد، می‌باشد (مصطفوی، ۱۹۹۲م، ذیل ماده علق).

پس می‌توان گفت: در مواردی که علق استعمال شده یکی چسبندگی و دیگری آویزان بودن، لحاظ

تبدیل و چهل روز به این شکل است تا چهار ماه کامل شود وقتی چهار ماه کامل شد، خداوند دو فرشته می‌فرستد و آنان می‌گویند خدایا مرد می‌آفرینی یا زن؟ و خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد. سپس می‌گویند خوشبخت یا بدبخت؟ و خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد. سپس می‌گویند: خداوند مرا مرگ روزی او چیست؟ و همه چیز را در باره او می‌پرسند و عهد و میثاقی بین دو چشمان او می‌نویسند وقتی مدتش به پایان رسید خداوند فرشته‌ای می‌فرستد و او بر سر آن جنین فریادی می‌زند و جنین از شکم مادر خارج می‌شود حال آن که عهد و میثاق را فراموش کرده است.

در مورد آیه: «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» دیدگاه‌های متعددی نقل شده است، برخی می‌گویند: آن گاه که از نظر استخوان بندی و پوشش گوشت به مرحله کمال رسید، در آن نفخ روح کردیم. این معنا از گروهی از مفسرین است. برخی دیگر گویند منظور روئیدن موی و بر آمدن دندانها و دارا شدن قوه درک است. حسن بصری گوید: منظور این است که در این مرحله، نری و مادگی او را مشخص می‌کنیم (طبرسی، ۱۹۹۳م، ج ۱۷، ص ۳۶).

۴. معناشناسی علقه در آیات قرآن

همانطور که گفته شد دومین مرحله رشد و تکامل جنین از دیدگاه قرآن «علقه» می‌باشد. پیش از پرداختن به علقه در قرآن به معنای لغوی آن می‌پردازیم.

«عَلَقَه» در لغت در ابتدا به خون بسیار سرخ و یا غلیظ و یا لخته شده معنی شده است (راغب اصفهانی، ۱۹۵۳م، ص ۳۴۳) و سپس به زالو و پس از آن به صورت عام به هر چیز آویخته شده، چسبیده

جنین در این مرحله همچون دایره‌ای متشکل از سلول‌های منظم که بر شکل دو صف متوازی سازمان یافته‌اند. خداوند این مراحل کُند از اول و دوم و سوم لقاح را با حرفِ ثَمَّ از آن تعبیر و عطف نموده است، اما از علقه تا مضغه را با حرف فای عطف بیان نموده است.

۵. مفهوم علقه از نگاه علم

«علق»، همان خون بسته‌ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل می‌شود و سپس داخل رحم زن می‌شود و بدان آویزان می‌شود. پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می‌شود و به صورت یک توده سلولی در می‌آید که به شکل توت است و به آن «مارولا»^۲ گویند و در رحم لایه‌گزینی می‌کند یعنی، سلول‌های تغذیه کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ کرده و به آن معلق و آویزان - نه کاملاً چسبیده به رحم - می‌شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای «علق» بیان کرده است (دیاب و قرقوز، بی تا، ص ۸۶).

اگر واژه «علق» را به معنای خون بسته بپذیریم، می‌توانیم تناسب آن را با موارد استعمال اینگونه بیان کنیم:

۱- چسبنده بودن آن به معنی خون بسته‌ای که برای مکیدن خون به بدن می‌چسبد (مکارم شیرازی، ۱۹۹۲م، ج ۲۷، ص ۱۵۶).

۲- آویزان شدن آن به جداره رحم.

۳- مشابه زالو است. زالو هر بار می‌تواند به اندازه یک فنجان قهوه، خون انسان یا حیوانی را بمکد. نطفه در رحم، زالو وار به رحم می‌چسبد و از خون تغذیه

شده است مانند: زالو، خون بسته و کرم که به عضو بدن می‌چسبد و آویزان می‌شود. علت نامگذاری (علقه) به «خون بسته» نیز ظاهراً این بوده که وقتی خون از محل آسیب دیده بیرون می‌آید خشک و آویخته می‌شود. به زالوی معلق نیز علقه اطلاق شده است؛ چرا که خود را می‌آویزند.

این واژه در آیات مختلف قرآن کریم ذکر گردیده است^۱ ولی در مورد اینکه آیا علق همان علقه است و هر دو بیانگر یک مرحله از ادوار جنینی می‌باشند یا نه، رویکردهای گوناگونی وجود دارد. از این رو هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً» و در دنباله آن با حرف فاء [عاطفه] عطف می‌گردد و می‌فرماید: «فَخَلَقْنَا الْمَضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (مؤمنون: ۱۴).

از علقه تا مضغه و نیز از مضغه [پارچه گوشت] تا عظام [استخوان] و از عظام تا لحم [گوشت] با فاء عطف شده است، اما از نطفه تا علقه [زالو] به حرف «ثُمَّ» عطف شده است، با علم به اینکه حرف ثَمَّ در عطف [زبان عربی] برای ترتیب همراه با تأخیر می‌باشد، اما حرف فاء عطف برای ترتیب و دنبال آمدن [سریع] می‌باشد.

جدیدترین مطلب در علم جنین شناسی اینکه بین مرحله نطفه و علقه فتره‌ای افزون بر دو هفته وجود دارد به طوری که جنین در این فتره به کندی رشد می‌نماید، چون این مرحله، مرحله رخنه نطفه در دیواره رحم می‌باشد، و جنین رشد نمی‌نماید اما طریق‌های جذب غذا از رحم مهیا می‌گردد.

معنای خون بسته و هم معنای آویزان بودن را رسانده است که با نظریات جدید پزشکی همخوانی دارد.

با توجه به عدم پیشرفت علم پزشکی در ۱۴ قرن قبل، می‌توان مسئله «علق» را یکی از شگفتی‌های علمی قرآن نامید که بعد از ۱۴ قرن کشف شده است (رضایی اصفهانی، بی تا، ج ۲، صص ۴۸۷ - ۴۸۱).

علاوه بر آن در احادیث و سنت ما هم به مراحل خلقت انسان توجه شده است چنانکه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَمِنْهَا: ام هَذَا الَّذِي أَنشَأَهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَ شُغْفِ الْأَسْتَارِ، نُطْفَةٌ دِهَاتًا [دَفَاقًا - ذَهَاقًا] وَ عَلَقَةً مِحَاقًا، وَ جَنِينًا وَ دَافِعًا وَ وُلْدًا وَ يَافِعًا...» (عروسی حویزی، ۱۹۹۴م، ج ۴، صص ۴۷۷).

این انسانی که خداوند او را در تاریکی‌های رحم و درون غلافها و پرده‌ها پدید می‌آید به این صورت که نطفه‌ای بود ریخته شده و خون بسته‌ای که شکل نیافته و جنینی در رحم و طفلی شیرخوار و کودک و آن گاه نوجوان، پس خداوند به او دلی حفظ کننده و زبانی گویا و چشمی بینا عطا کرد تا بفهمد و عبرت گیرد.

و یا این حدیث از امام علی (ع): «تعتلج النطفتان فی الرحم، فأیتهما کانت أكثر جئات تشبهها، فإن کانت نطفة المرأة أكثر جئات تشبه أخواله و إن کانت نطفة الرجل أكثر جئات تشبه أعمامه» (بحرانی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۲۹۹) که در آن به علت شباهت کودک به دایی‌ها و عمه‌هایش اشاره شده است.

صرف نظر از صحت و سقم هریک از ترجمه‌های فوق، آن چه در اینجا جالب توجه است این است که

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: (دیاب و قرقوز، بی تا، ص ۸۶؛

پاک نژاد، ۱۹۸۴م، ج ۱۱، ص ۱۱۰؛ نجفی، بی تا، ص ۹۹).

می‌کند (نجفی، بی تا، ص ۹۹). همچنین در وجه تشبیه به زالو گفته شده است که در مرحله ایجاد جنین، از هر دو ماده‌ای به نام «هپارین» ترشح می‌شود تا اینکه خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد. (پاک نژاد، ۱۹۸۴م، ج ۱۱، ص ۱۱۰). شکل علقه مانند زالو کاملاً مسطیع است این حالت در چهار هفته اول ادامه دارد (اسماعیل پاشا، بی تا، ص ۱۸۲).

۴- تغذیه از خون است. آیت الله معرفت بعد از پذیرفتن این نظریه که علق خون بسته است می‌گوید: علقه در روز هفتم به جداره رحم می‌چسبد. (معرفت، ۱۹۹۸م، ج ۶، ص ۸۲).

در نتیجه می‌توان گفت: لازم به ذکر است احتمالات دیگری درباره «علق» داده شده از جمله، بعضی‌ها علق را به معنای نطفه مرد (اسپرمتوزئید) معنا کرده‌اند (نجفی، بی تا، ص ۹۹) و بعضی دیگر به معنای موجود صاحب علاقه که اشاره به روح اجتماعی انسان است، معنا نموده‌اند. و بعضی دیگر اشاره به گل حضرت آدم (ع) که حالت چسبندگی دارد نموده‌اند (ر.ک: رضایی اصفهانی، بی تا، صص ۴۸۷ - ۴۸۱).

با توجه به دیدگاه دانشمندان و مفسران و اهل لغت، «علق» به معنای «خون بسته» آویزان به رحم است. به ویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین‌شناسی جدید، به عنوان واسطه‌ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می‌شود. یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می‌کند.

خداوند می‌توانست با بیان «الدم المنقبضه؛ خون بسته» مطلب را ذکر نماید اما با آوردن واژه «علق» هم

جنین است یادآوری می‌کند و هر بار یکی از وجوه و خصوصیات آن را بر می‌شمرد.

مانند: «الْمَ نَخَلَقُكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ» (مرسلات: ۲۰)، «ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ» (سجده: ۸)، «خَلَقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (طارق: ۶)، «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...» (انسان: ۲). در آیات فوق واژه‌های «مِهین»، «سلالة»، «دافق» و «امشاج» هر یک بیانگر یکی از ویژگی‌های نطفه می‌باشند. اکنون احتمال آنکه مقصود از «علق»، که در این آیه به تنهایی ذکر شده است، همان مرحله آغازین تکوین جنین با بیان ویژگی کرم‌سان و زالوش بودنش باشد تا حدودی موجه می‌نماید، لیکن در حدی نیست که بتوان با اطمینان کامل آن را پذیرفته و معنای دیگر را مردود دانست.

اکنون این اشکال رخ می‌نماید که در رویان‌شناسی نوین با ابزارهای سنجش دقیق و چشم مسلح، تمام مراحل پیدایش و تکامل جنین مورد بررسی و کاوش قرار گرفته ولی مشاهده نگردیده است که انسان از مرحله خون بسته عبور کند. لذا برخی تصریح نموده اند که انسان هیچگاه از مرحله خون بسته نگذشته است.

بنابراین، با توجه به قطعی بودن مساله فوق از نظر علمی از یکسو و یگانگی نازل کننده کتاب مبین، و احاطه مطلقه علمی او به زوایای هستی «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک: ۱۴) و صدق و راستی تردید ناپذیر آیات الهی و نیز اینکه کلمه علق و علقه دارای معانی گوناگونی هستند، به روشنی درمی‌یابیم که دو معنای سازگار با ره‌آوردهای علمی جدید در برابر این واژه وجود دارد: اول خون بسته و دیگر زالو، شیئی آویزنده و چسبان. برخی معنای دوم

بسیاری از برگردانهای بالا، چنین می‌نماید که مترجمان علق را همان علقه یعنی مرحله بعد از انعقاد نطفه دانسته‌اند. ولی در ترجمه فارسی بهبودی و انگلیسی پالم به مرحله اول یعنی نطفه نزدیکتر است. مفسران قرآن در گذشته چندان توجهی به مساله اتحاد یا اختلاف معنایی علق و علقه نکرده‌اند و تنها در دهه‌های اخیر این مساله مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. در «تفسیر الفرقان» آمده است: «علق لا علقه، فإنها الحالة الثانية للجنين، الناشئة عن العلق: جنس الدودات الصغيرة العالقة و جمعها، و هو منى يمنى، فهذا المنى علق مجموعه، إذ يعلق بما يلحقه من ثوب أو بدن أو جدار الرحم، و علق جميعه، إذ هو بحر لجى من ملايين النطف: الدودات العلقية، العالقة بعضها ببعض، و العالقة كلها بجدار الرحم، و ليست الجرثومة الأولى هي العلقه...»^۱ (صادقی تهرانی، ۱۹۸۶م، ج ۳۰، ص ۳۶۳).

شاید بتوان بر جدایی علق از علقه چنین استشهاد نمود که قرآن در هیچ یک از مواردی که مراحل مختلف جنین را بیان نموده از واژه «علق» استفاده نکرده و همواره کلمه «علقه» را به کار برده است^۲ و در مواردی که درباره چگونگی تداوم نسل بشر است تنها به ذکر یک مرحله بسنده می‌کند و همواره همان مرحله نخست، یعنی، نطفه را که مبدا اساسی پیدایش

۱- «علق (نه علقه)، زیرا علقه حالت دوم جنین و برآمده از علق می‌باشد) اسم جنس کرمهای کوچک چسبنده و جمع آن است. پس علق همان منی است که بر اثر چسبندگی «به هر چیزی چون لباس، بدن یا جدار رحم می‌آویزد. و مجموع آن، که حاوی میلیونها نطفه یعنی، اسپرمهای چسبان است و برخی به بعض دیگر آویخته و تماما به جدار رحم می‌چسبند، علق می‌باشد...».

۲- مانند: (حج: ۵، مؤنون: ۱۴، غافر: ۶۷، قیامت: ۳۸).

را ترجیح داده و کلمه زالو را که با شکل ظاهری اسپرم مطابقت دارد برای مرحله اول مناسب دیده‌اند.

نتیجه‌گیری

علق در لغت به معنای: «درآویختن»، «دل بستن»، «چیز چسبان»، «خون» و جمع علقه به معنای «زالوی خون مکنده آبی» و «آویزگاه» آمده است. «عَلَقَه» در اصل به معنای «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود» آمده است و موارد استعمال آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می‌چسبد و خون را می‌مکد و ... می‌باشد.

واژه علقه توضیح مرحله چسبیدن اسپرم به تخمک است. از نظر مفسران جدید که قرآن را تفسیر علمی می‌کنند علقه [که به معنای لخته خون نیز هست] به تخمک بارور شده یا جنین در حال نموی اطلاق می‌شود که خود را به جدار رحم چسبانده و برای ادامه نمو خود، برخی رگهای رحم را پاره کرده و لخته ایجاد می‌کند و از این طریق در جدار رحم جایگزین می‌شود.

بر خلاف آنچه که تصور می‌شود وجود حقایق علمی در قرآن کاملاً با علوم زیستی انطباق دارد. شواهد علمی قرآن به وضوح اثبات می‌کند که قرآن از جانب خداوند است. هیچ بشری قادر نبوده در ۱۴ قرن قبل، کتابی را بوجود آورد که حاوی آنچه‌آن حقایق علمی عمیقی باشد که قرن‌ها بعد توسط بشر کشف شود.

منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آذرنوش، آذرتاش (۲۰۰۷م)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- ۳- اسماعیل پاشا، عبدالعزیز (بی تا)، اسلام و طب جدید، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات برهان.
- ۴- امامی، حسین (۱۹۸۶م)، جنین‌شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سایه، چاپ اول.
- ۵- البار، محمد علی (بی تا)، خلق الانسان بین الطب و القرآن، بیروت: انتشارات اسلام.
- ۶- بحرانی، سید هاشم (۱۹۹۵م)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.
- ۷- پاک نژاد، رضا (۱۹۸۴م)، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، تهران: بنیاد فرهنگی شهید.
- ۸- حلی، (۱۹۹۷م) مختلف الشیعه، مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
- ۹- دیاب و قرقوز، عبدالحمید (بی تا)، طب در قرآن، ترجمه چراغی، تهران: انتشارات حفظی.
- ۱۰- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۹۵۳م)، مفردات فی غریب القرآن، تهران: المکتبه الرضویه.
- ۱۱- رضایی اصفهانی، محمدعلی (بی تا)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: انتشارات مبین.
- ۱۲- سادلر، توماس. وی (۲۰۰۴م)، رویان‌شناسی پزشکی لانگمن، ترجمه مسلم بهادری، عباس

- ۱۸- عروسی الحویزی، عبد العلی (۱۹۹۴م)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۹- کرمانی، محمد بن یوسف (۱۳۵۶ق)، صحیح ابی عبدالله البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۰- گنابادی، سلطان محمد (۱۹۸۷م)، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادۀ، بیروت: مؤسسۀ الأعلمی، چاپ دوم.
- ۲۱- مصطفوی، حسن (۱۹۹۲م)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۲۲- معرفت، محمد هادی (۱۹۹۸م)، التمهید، قم: انتشارات التمهید.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۹۹۲م)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۴- نجفی، گودرز (بی تا)، مطالب شگفت انگیز قرآن، تهران: نشر سبحان.
- شکور و محمد هادی بهادری، تهران: انتشارات چهر، چاپ اول.
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۰ق)، الاتقان فی علوم القرآن، تعلیق مصطفی زیب البخا، بیروت: دار ابن کثیر.
- ۱۴- صادقی تهرانی، محمد (۱۹۸۶م)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۹۶م)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۹۳م)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۷- طیب، سید عبد الحسین (۱۹۹۹م)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.